**سلامت زنان شاغل در محیط کار**

زنان به عنوان نیمی از جمعیت کشور نقش مهمی در پویایی و سلامت جامعه دارند؛ بنابراین حفظ و ارتقای سلامت آنان همواره باید مورد توجه متولیان بهداشت و درمان باشد که در این میان توجه به سلامت محیط کاری آنان نیز بسیار ضروری است. اکنون شمار زیادی از زنان شاغل همگام با مردان دربخش ها وحوزه های مختلف مشغول به کار هستند و این مهم لزوم حفظ و ارتقای سطح سلامت شغلی آنان را از نقطه نظر کارفرمایان و مسئولان بهداشتی کشور به یک نیاز و ضرورت اساسی تبدیل کرده است.

همواره باید به این موضوع مهم توجه داشت که اشتغال زنان در محیط خارج از خانه اغلب با انجام وظایف خانه داری در داخل منزل نیز همراه است و بنابراین می توان اذعان داشت که در صورت مشابهت شغلی خاص بین یک زن و مرد، به دلیل وظایف خانه داری و... فشار کاری و استرس های آن در زنان بیشتر از مردان رخ می دهد.

مخاطرات شغلی شامل مخاطرات فیزیکی (سروصدا) ، مخاطرات شیمیایی (مثل آفت کش ها، داروها )، مخاطرات بیولوژیکی ( ویروس ایدز، هپاتیت های B و C ) ، مخاطرات ارگونومیکی (اختلالات اسکلتی عضلانی )و مخاطرات روحی و روانی (مثل استرس، خشونت در محیط کار ) و علاوه بر عوامل فوق می توان به شیوه و الگوهای کار مثل نوبت کاری (شب کاری) و عوامل محیطی و سازمانی نیز به عنوان مخاطرات شغلی زنان اضافه کرد.

از سوی دیگر از طراحی فیزیکی محیط کار تا ساعت کار در ادارات، همه مردانه است و تطبیق بانوان با این وضعیت، مشکلات جدی و سلامتی برای آنان به وجود می آورد. از آنجا که شمار زنان شاغل در ادارات در حال افزایش است؛ باید اقداماتی برای رفع این مشکلات و حتی زنانه کردن محیط های اداری صورت گیرد. آنچه که بانوان را در محیط کاری خسته می کند، کار نیست، بلکه بی عدالتی، عدم رضایت و ناخشنودی از محیط کار است. محیط کار ما باید محیطی هدایت کننده برای بانوان باشد، نه تهدیدکننده؛ در شرایط حاضر بانوان باید هم شاغل باشند تا چرخه اقتصادی بچرخد و هم اینکه صاحب فرزند شوند تا مشکلات جمعیتی حل شود که این نیز بر مشکلات بانوان در محیط کار می افزاید. اشتغال بانوان به صورت اختیاری نیست و بسیاری از آنان به اجبار کار می کنند چرا که جامعه به خیلی از خدمات بانوان نیاز دارد. یکی دیگر از مشکلات در محیط های کاری عدم رعایت عدالت جنیستی است، با توجه به اینکه این موضوع بر سلامت زنان تاثیر می گذارد، باید بیشتر به آن توجه شود؛ اگرچه وضعیت نسبت به گذشته خیلی بهتر شده است اما تا رسیدن به نقطه مطلوب زمان زیادی است.

تجارب و شواهد علمی بیانگر این است كه در برخی محیط‌های كاری تبعیض بین زن و مرد در نظام پرداخت، دسترسی به منابع و فرصت‌های شغلی، تسهیلات رفاهی و پیشرفت‌های شغلی، متفاوت است . همچنین ایفای نقش در سطوح تصمیم‌گیری، مدیریتی و ارزشیابی از جمله واقعیت‌هایی است كه نه تنها بر رضایت شغلی و سلامت روانی زنان در محیط كار اثرگذاشته بلكه منجر به بازتولید یا تداوم بسترهای نامناسب فرهنگی و قانونی، ساختاری و سازمانی برای ارتقاء سلامت زنان در محیط‌های كاری می‌شود.

اگر ارتقاء سلامت را فرآیند توانمندسازی افراد جهت افزایش سلامت خود و بهبود آن بدانیم افزایش آگاهی جامعه و خانواده از دانش و نیازهای سلامت زنان امری مهم است .همچنین آگاهی جامعه با سلامت زنان در دستیابی به اهداف توسعه نیز اثرگذار است. لذا تقویت نقش محوری زنان در تامین سلامت خود، خانواده و جامعه و افزایش مشاركت آنان در سطوح مختلف تصمیم‌گیری و اجرا می‌تواند این فرآیند را تصریح كند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با حمایت از حقوق انسانی، اجتماعی و فرهنگی همه افراد، اعم از زن و مرد، سلامت افراد را یك حق اساسی دانسته و تامین نیازهای سلامت آنها را تكلیف اصلی دولت شمرده است. امروزه سلامت تنها به نبود بیماری و معلولیت اطلاق نمی‌شود ، سلامت عبارت است از رفاه كامل جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی و حق سلامت زنان به معنای برخورداری از سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی در زندگی فردی. سلامت محور توسعه است ، از سوی دیگر زنان سالم محور خانواده و نسل سالم هستند و زنان شاغل بخش مهمی از سرمایه انسانی و نیروی كار كشور محسوب می‌شوندبنابراین اتخاذ تدابیر مناسب جهت ارتقاء سلامت آنان باید محور برنامه‌های توسعه باشد.

**واحد بهداشت حرفه ای معاونت بهداشتی**